فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۸۳-۱۶۵ Vol 2. No 23. 2018, p 165-183
شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸) ISSN: (2538-6395)

علل توجیهی تحولات عدول از کیفر حبس در قوانین یک سده اخیر (از قانون ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲)

دکتر محمد یکرنگی[۱]. دکتر حمید بهره مند[۲]. مجید شوهانی[۳]
۱. عضو هیات علمی دانشگاه تهران. ایران
۲. عضو هیات علمی دانشگاه تهران. ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده
مجازات حبس به منزلهٔ یک مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظامهای کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. هرچند در سیر تحول نظام مجازات شاهد تحولاتی در رویکرد به فلسفهٔ مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن هستیم، ولی پس از جنگ دوم جهانی، تحت تأثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی در زمینهٔ رعایت و احترام به حقوق بشر حق آزادی که پس از حق حیات یکی از اساسیترین حقوق بشر محسوب می‌شود، جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان باز تعریف شد. در ایران، با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرائی بهتر و صحیح تر مجازات حبس، در دست‌یابی به اهداف پیش بینی شده در قوانین و مقررات (اصلاح و بازپروری و بازسازگاری) ناموفق بوده است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر تحت تأثیر توصیه‌های سازمان ملل متحد و تجربهٔ موفق و کشورهای دیگر و نیز به دلیل ناکارآمدی برنامه های اصلاح و درمان در ایران و به ویژه نگرش رئیس قوه قضائیه به مسألهٔ زندان در فقه، تلاش‌هایی به منظور تحدید موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازاتها در چهارچوب سیاست حبس زدایی صورت گرفته است. در سال های اخیر به جهت افزایش جمعیت کشور و پیامدهای منفی آن سیاست های مناسب جهت حبس زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان تدابیر مناسبی اتخاذ گردیده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علاوه بر این که وضعیت جایگزین های سنتی از جمله تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بهبود یافته است، جایگزین-های نوین (حبس خانگی، خدمات عام المنفعه، دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی) نیز پذیرفته شده است. لذ ا در این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی علل توجیهی تحولات عدول از کیفر حبس در قوانین یک سده اخیر (از قانون ۱۳۰۴ تا ۱۳۹۲) پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: حبس، مجازات های جایگزین حبس، گونه های سنتی، گونه های نوین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدیده آمده است. حق آزادی که پس از حق حیات اساسی ترین حق بشر محسوب می‌شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب قرونی تکالیف حکمرانان شد. مردم به دنبال دولتهای پاسخگو بودند و انتظار داشتند حاکمان حقوق اولیه شهروندان را به صورت تمام و کمال حفظ و حراست کنند. محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان بویژه آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثناء کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده و از این حیث به لحاظ نظری مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شد و کمتر کسی می پذیرفت که از تمام مجرمان باید سلب آزادی شود.

آمارها نشان داد که حبس کیفری چه با فلسفه ارعاب بازدارندگی چه با فلسفه ا صلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. در کشورهای با نظام کیفری حبس محور، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت، بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومین سابقه دار رقم بالایی است. ضمن این شکست عملی انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفت.

هزینه‌های اقتصادی بالای زندان، حرفه ای تر شدن مجرمان زندانی شده، از هم پاشیدن خانواده‌های زندانیان و. . . تنها بخشی از اشکالات زندان بشمار می‌رفت. همه این اشکالات باعث شد حقوقدانان و متفکران علوم کیفری به دنبال یافتن جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند در جهت تعدیل این کیفر. منظور همان اشکالات نامبرده شده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود میباشد. موج این تحولات به کشور ما هم رسیده است- تدوین لایحه مجازات های اجتماعی- نشان می دهد که دستگاه قضایی درصدد بر طرف کردن مشکل حبس محوری نظام کیفری می باشد نتایج یک تحقیق صورت گرفته شده نشان می دهد اکنون در قوانین کیفری ما بالغ بر هفتصد عنوان مجرمانه با مجازات حبس وجود دارد که ۱۵/۶ درصد این حبس ها شش تا نه ماه و ۳۰ درصد آنها بیش از شش ماه تا ۲ سال و بقیه بیش از ۲ سال است. علاوه بر تردیدهایی که در مشروعیت نظری این مجازاتها به لحاظ حقوق بشری پیش آمده است و اشکالات عدیده ای که برای مجازات زندان برخواهیم شمرد در رویکرد اخیر دستگاه قضایی نسبت به کیفر سالب آزادی و تحدید موارد آن دو دلیل دیگر هم وجود دارد: ۱- شکست عمل برنامه اصلاح و درمان در زندان ایران ۲- نوع نگاه ریاست قوه قضائیه به مساله زندان در فقه اسلام است. ایشان در سخنرانی های مختلفی از جمله در همایش مجازاتهای جایگزین حبس اشاره کردند که حبس در اسلام فقط در مواردی استثنایی استفاده می‌شود، بنابراین رویکرد نظام جمهوری اسلام هم باید به استفاده محدود از این مجازات باشد. با این همه، چه در ایران و چه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در کشورهای دیگر، محور حرکت به سوی محدود کردن حبس است نه حذف کامل آن از نظام عدالت کیفری، زیرا با توجه به خطرناکی برخی مجرمان برای آسایش و امنیت عمومی امکان حذف کیفر حبس از زراد خانه کیفری وجود ندارد.

مفهوم جایگزین‌های حبس

قبل از اینکه به برداشت و مفهوم اصلی و مضیق جایگزین (به معنای دقیق کلمه) بپردازیم، برداشت های گوناگون که از سیاست جنایی از ابتدا تا به اکنون که مورد توجه جرم شناسان و حقوقدانان بوده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نخستین بار انریکوفری از بنیانگذاران مکتب تحققی بود که اصطلاح «جانشین‌های کیفری»[1] را وارد حقوق کیفری کرد. به نظر او این جانشین‌ها باید به ابزارهای اصلی دفاع اجتماعی تبدیل شوند زیرا، « پادر زهرهای عالی برای عوامل اجتماعی بزه محسوب می‌شوند.» به عبارت دیگر به نظر فری، «جانشین های کیفری» همان اقدامات پیشگیرانه و دفاع اجتماعی می‌باشد که هم در سطح جامعه کل و هم در عرصه تشکیلات دادگستری قرار می گیرند[2]نمونه هایی از این جانشین ها عبارتند از: ایجاد کوچه های پهن در شهرها، روشنایی در شب ها زیرا به کاهش دزدی و سوءقصد کمک می کند یا ایجاد نهادهای بیمه و کمک های اجتماعی برای نیازمندان با هدف جلوگیری از تکدی و کلاهبرداری به منظور امرار معاش و. . پس از فری، فیلیپوگراماتیکا، بنیانگذار مکتب دفاع اجتماع تعبیر جدیدی از مفهوم سیاست جایگزینی ارائه می دهد و آن اینکه وی معتقد است که اولاً، باید جامعه ستیزی (مبتنی بر ذهنیات شخصی می‌باشد) را جایگزین مسئولین (مبتنی بر بزه) نمود.

ثانیاً، بادی نشانه های جامعه ستیزی شخصی فرد و درجات آن را به جای بزه به عنوان یک عمل قرار داد.

ثالثاً، تدابیر دفاع اجتماعی منطبق با نیازهای هر جرم را جایگزین مجازات متناسب بزه کرد.»[3]

مارک آنسل هم به سیاست جایگزینی در چهارچوب حقوق کیفری اعتقاد داشت. منظور وی از جایگزینی همان مجازات های جانشین هستند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان بار کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند. بدین ترتیب آنسل از جایگزینی مفهوم دقیق و روشنی را ارائه می‌دهد که مدنظر ما در این تحقیق خواهد بود. ژان پی ناتل نیز به مفهوم دقیق سیاست جایگزینی اشاره می‌نماید و لفظ «کیفرهای جانشین» را بکار می‌برد. پی ناتل در مقایسه اصطلاح «جانشین‌های کیفری» فری با «کیفرهای جانشین» معتقد است که: «مقایسه‌ای که بر پایه ظواهر استوار است نشان می‌دهد که میان این مفاهیم نوعی توافق و نوعی اختلاف وجود دارد. توافق از آن جهت است که هر دو دارای نقش و وظیفه جانشینی هستند و اگرچه دامنه کیفرهای جانشین گسترده تر از قلمرو جانشین های کیفری است ولی ماهیت آنها یکسان است. اختلاف از

---

1. penal substitutional

۲. بولک برناد، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم، تهران سال ۸۴

۳. همان، ص ۱۱۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آن جهت است که جانشین‌های کیفری، مجازات را کنار می‌گذارند و به جای آن اقداماتی را با ویژگی کیفری قرار می‌دهند، اما کیفرهای جانشین به جای مجازات سالب آزادی، کیفرهای دیگری را می نشانند. همچنین می‌گویند: در اینجا (کیفرهای جانشین) مقتضی است که نخست تناوب‌هایی را که به جای کیفر کوتاه مدت زندان می نشیند مثل تعلیق مراقبتی و تعلیق اجرای مجازات که اختیار تعیین آنها به قاضی سپرده شده است (سیاست جایگزینی قضایی) از مجازات‌هایی را که می‌توان آنها را «کیفرهای جانشین» نامیده نظیر انجام کار به نفع جامعه ملهم از نظام خدمات اجتماعی انگلیس و جریمه روز که در نظام‌های اسکاندنیاوی گرفته شده است که قانونگذار کیفر حبس کوتاه مدت را حذف و اینها را جایگزین آن می‌نماید (سیاست جایگزینی تقنینی) را مجزا مشخص می‌نماییم»

در پایان متذکر می‌شویم منظور و مراد از جایگزینی همان چیزی است که آنسل و پی ناتل از آن یاد می‌کنند که می‌توان آنها را به جایگزینی تقنینی و جایگزینی قضایی تقسیم کرد که ذیلاً هر کدام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جایگزین‌های سنتی

مجازات باید در اهداف خود بیش از هر مساله ای به اصلاح مجرم توجه خاص داشته باشد. شخصی که مرتکب بزه ای شده است و در حال گذراندن دوران محکومیت خویش است به آینده خودش نیز امیدوار است برای آنکه بتوان او را به حسن سلوک و عمل، در زندان تشویق کرد یکی از منطقی ترین راهها: اعطای آزادی مشروط است.

آزادی مشروط یک ابزار و ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط دادگاه صادرکننده حکم به محکوم علیه اعطا می شود که نمایانگر توجه به خاص قانون گذار به هدف اصلاح و درمان و باز سازگاری اجتماعی محکوم است. آزادی مشروط جزء برنامه های اصلاحی، تربیتی و اجتماعی است که تسهیل کننده بازسازگاری اجتماعی فرد در اجتماع است. آزادی مشروط را می‌توان به عنوان برنامه های جایگزین مجازات حبس- در مفهوم موسع- تلقی کرد البته در صورتی که با نظارت باشد.

پس اگر مدتی را فرد محکوم در زندان به سر بُرد و شواهد و قرائن نشان داد وی آمادگی بازگشت به جامعه را دارد باید تمهیداتی بکار برده شود تا وسیله بازگشت مجدد وی به اجتماع فراهم شود.[۲]

آزادی مشروط

سابقه تاریخی پیدایش این نهاد در حقوق در ایران به شرح زیر است.

۱. نوربها، رضا، ۱۳۹۱، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان، جلد اول، ص ۴۲-۴۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱- ماده واحده قانون راجع به آزادی مجازات زندانیان مصوب ۱۳۳۷ به همراه تبصره های آن (۹ تبصره) این قانون مقرر می رداد:« در مورد جنحه پس از گذشت نصف از مجازات حبس و در مورد جنایت پس از گذشت دو ثلث مجازات حبس، مشروط به اینکه بار اول محکوم به حبس شده باشد».

۲- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱.[۳]

این قانون در قالب ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز آزادی مشروط را پذیرفت و آن را منحصر به حبس تعزیری کرد و در نهایت:

۳- مواد ۳۸- ۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز آزادی مشروط را پذیرفته است. ولی ماده ۳۸ در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد.

با صدور حکم آزادی محکوم علیه از تحمل بقیه مجازات حبس بطور موقت معاف است. محکوم باید در مدت آزادی مشروط، دستورات و شرایط تعیین شده را رعایت کند، در صورت تخلف یا ارتکاب جرم جدید در دوره آزادی مشروط حکم صادره لغو شود و بقیه محکومیت به اجرا درآید.

تبصره ۵ م ۶۲ مکرر مقرر می دارد: «. . . همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می گردد.

در صورت رعایت شرایط و دستوران در دوران آزادی مشروط، آزادی وی پس از انقضاء آن قطعی است ولی قطعیت آزادی به معنی زوال محکومیت کیفری از سجل کیفری نیست. (برخلاف تعلیق اجرای مجازات).

تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات از جمله شیوه های سنتی جایگزین حبس است که از بدو قانونگذاری در این سابقه تاریخی دارد. در اینجا به سابقه تاریخی آن به ترتیب در قانونگذاری های مختلف می پردازیم.

۱- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ = در سیستم جزایی ایراد، قاعده تعلیق اجرای مجازات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۴ ضمن مواد ۵۰-۴۷ قانون مجازات عمومی در خصوص مجرمین به جرائم جنحه‌ای پذیرفته شد.

۲- اصلاحیه مقررات تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۰۷.

در این قانون دو تغییر عمده نسبت به قانون ۱۳۰۴ مشاهده می‌شود. اولاً: در این قانون موارد شمول تعلیق محدود به جنحه‌هایی گردید که در ماده ۱. ق مذکور تعیین شده بود. ثانیاً: دامنه شمول تعلیق به جزای نقدی نیز گسترده شد.[۴]

---

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان، ص ۲۵۰-۲۵۴

۲. همان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳- قانون مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۶ این قانون تحت عنوان تعلیق اجرای مجازات مشتمل بر ۱۸ ماده به تصویب رسید که در مقایسه با قانون ۱۳۰۷، دامنه شمول گسترده تری دارد و شامل جرائم جنایی هم می‌شود، تفاوت بارزی که میان این قانون (۱۳۴۶) با قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ وجود دارد این است که مدت محکومیت از حبس ۳ سال به یک سال کاهش یافت. یکی از حقوقدانان معتقد است که: «قانونگذاری سال ۱۳۰۴ با فلسفه تعلیق مجازات حبس به مراتب سازگارتر بود. زیرا اگر تعلیق محکومیت به حبس ابد باشد که از آثار وخیم اقامت در زندان پیشگیری کرد و محکوم علیه بی پیشینه را از آثار زیان بار معاشرت با زندانیان دیگر مصون نگه داشت، تحدید این مدت بی مبنا است».[۵]

۴- قانون راجع به مجازات مصوب ۱۳۶۱ قانونگذار در این قانون در قالب ماده ۴۰ نهاد تعلیق را آورده است، این قانون شامل کلیه محکومیت های تعزیری می شود که شلاق هم جزء آنها به حساب می آید.

۵- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰طی مواد ۲۵ الی ۳۷ به تعلیق و شرایط آن پرداخته شده علاوه بر محکومیت های تعزیری شامل کلیه محکومیت های بازدارنده نیز می شود.

جزای نقدی

جزای نقدی که از جایگزین های مطلق مجازات سالب آزادی می باشد جزء تبدیل مجازاتها می باشد.

معایب زندان کوتاه مدت اندیشمندان و قانون گذار را به پذیرش ابزارهای متنوع کیفری جهت مبارزه با بزهکاری متقاعد کرد. اثرات منفی و معایب کیفر کوتاه مدت سالب آزادی مقنن را به انتخاب سیاست جنایی جانشین بطور تقنینی و رسمی در این حیطه از نظام کیفری مجاب نموده و این کیفر را به عنوان کیفر اصلی به جای مجازات سالب آزادی تشریح کرد. جزای نقدی عبارت است از «مبلغی وجه نقد که مجرم به عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن می باشد».

یا جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت.

یا محکومیت به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات به خزانه دولت. با در انگلستان جزای نقدی به عنوان معمول ترین کیفر مبارزه در دادگاههاست و عبارت است از الزام مجرم به پرداخت مبلغی از پول به دولت.

جزای نقدی به اعتبار شکل در صورت به دو نوع تقسیم می شود:

۱- ثابت: جریمه ای که مقنن تعیین می نماید و ممکن است دارای حداقل و حداکثر باشد.

۲- نسبی: غرامتی است که به تناسب مقدار و میزان واحد جرم معین می گردد.

---

۱. آشوری، محمد، ۱۳۹۲، جایگزین های زندان یامجازاتی بینابین، تهران: نشر گرایش، چاپ چهارم، ص. ۷۲-۲۸۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در خصوص سابقه تبدیل جزای نقدی به جای زندان به عنوان جایگزینی برای آن، ما شاهد وضع مقرراتی در حقوق کیفری ایران از همان آغاز تدوین قانونگذاری (قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴) هستیم. در اینجا به چند نمونه ازاین موارد اشاره می‌کنیم:

۱- ماده ۲۲ ق. م. ا مصوب ۱۳۷۰

۲- ماده واحده ای تحت عنوان قانون امکان تبدیل حبس در امور جنایی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر است به جزای نقدی مصوب ۱۳۰۷/۲/۲۶. این ماده واحده مقرر می‌دارد: «حبس در امور خلافی مطلقاً و نیز حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد قابل تبدیل به جزای نقدی است. محکمه باید در صورت تقاضای محکوم علیه آن را به اختلاف موارد از قرار روزی پنج قرآن الی دو تومان تبدیل به جزای نقدی نمایید».

۳- مادۀ ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳.

۴- مواد ۳ و۴ و۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۳.

۵- سایر موارد- از نظر تاریخی جزای نقدی اولین روش جایگزین حبس است که خود به عنوان مجازات اصلی محسوب می شده است. پس از پیروزی انقلاب ۶۱ جایگاه ویژه ای به آن اختصاص داده نشده بلکه دامنه آن محدود شد ولی با تصویب قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زمینه گسترش مجازات نقدی بوجودآمد.[۶] دو عملکرد قوۀ قضائیه هم به خوبی مشهود است و در قانون مجازات سال ۷۰ بصورت قابل ملاحظه ای ادامه دارد.

محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی

حقوق اجتماعی مزایایی است که در متن اجتماع و در ارتباط با سایر اعضای جامعه محقق می‌شود مثل عضویت در انجمن‌ها، اشتغال و آموزش فعالیت اقتصادی حق مشارکت در اداره کشور، انتخاب کردن، انتخاب شدن و. . . اعمال این حقوق با سرنوشت و حیات اجتماعی کلیه اعضاء در ارتباط است. در قوانین کیفری ایران قبل از وضع مادۀ ۶۲ مکرر هیچ تعریفی از حقوق اجتماعی نشده بود. در سال ۷۷ قانون گذار کیفری با وضع ماده ۶۲ مکرر تعریف قانونی از حقوق اجتماعی ارائه داد. تبصرۀ ماده ۶۲ مکرر مقرر می‌دارد: «حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد.[۷]»

۱. امیری، سعید، ۱۳۸۶، جزای نقدی و بررسی آن در مجموعه قوانین موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، -ص۶۶-۶۵

۲. همان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

انواع محرومیت از حقوق اجتماعی عبارتند از:

محرومیت محدود: یعنی سلب و محروم کردن شخص از اجرا و استیفای برخی از حقوق اجتماعی نه کلیه حقوق محرومیت محدود از حقوق اجتماعی ممکن است به شکل و صورت دائمی باشد یا به صورت سلب موقت از حقوق و به صورت مدتی معین.

محرومیت مطلق یعنی سلب و محروم کردن شخص از کلیه حقوق اجتماعی اش. محرومیت مطلق ممکنه به صورت موقت از کلیه حقوق باشد یا به صورت دائم باشد. قانونگذاران از سلب دائمی حقوق افراد به ویژه به عنوان ضمانت اجرای کیفری خودداری میکنند.

مفهوم خدمات عمومی که از زمرهٔ حقوق اجتماعی است یعنی اینکه: آنها خدماتی اند که زیر دولت و یا مستقیماً به وسیله او برای ارضاء حوائجی که نفع عموم را در بردارند انجام می‌شود. این خدمات قلمرو وسیعی دارند بنابراین خدمات عمومی به تسهیلاتی اطلاق می‌شود که دارای استفاده همگانی است برای تامین نیازمندیهای عمومی.

گفتار دوم: جایگزین های نوین

دوره مراقبتی

دوره مراقبتی را در صورتی می‌توان به عنوان نهادی تلقی کرد که متضمن ویژگی‌های ذیل باشد. داشتن سازمانی مستقل و چهارچوب نظام کیفری، قضایی بودن ماهیت وظایف آن، دارا بودن اقتدار قانونی و اعمال سرپرستی و نظارت بر مجرم به منظور بازگشت مجرم به جامعه و تطبیق آن در حقوق کیفری ایران از ابتدای قانون گذاری تاکنون خلاء قواعد و مقرراتی در مورد تعلیق مراقبتی که از ابتدای بحث به آن پرداختیم «دوره مراقبتی» در قانون کیفری احساس می‌شد. به عبارتی، قانونگذار ایران هیچ ماده ای از مواد قانونی را برآن اختصاص نداده است. گرچه دادگاه با موادی از قانون مجازات اسلامی یا قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۴۶ به عنوان مثال ماده ۲۹ ق. م. ا می‌توانست اجرای دستوراتی را از محکوم در مدت تعلیق بخواهد و و محکوم مکلف به انجام آن بوده اما باید گفت که وجود مواردی نظیر ماده ۲۹ قانون بیانگر تأسیس نهاد تعلیق مراقبتی به اقتباس از حقوق جزای فرانسه و دورهٔ مراقبتی منظور لایحه قانونی مجازات اجتماعی در حقوق کیفری ایران نمی‌باشد. چون تعلیق مراقبتی و نیز دورهٔ مراقبتی و چارچوب و قواعد حاکم بر آن تاکنون با توجه به حقوق سایر کشورهای جهان به آن پرداختیم، چیزی بیشتر از آنچه که در قانون مجازات اسلامی آمده است، می باشد.

مادهٔ ۱۷ قانون تعلیق اجرای مجازات تصویب ۴۶ مقرر می دارد: «وزارت دادگستری مکلف است صرف ۵ سال ازتاریخ تصویب این قانون وسایل اعمال نظارت بر مجرمینی که مجازات آنها معلق شده یا در مدت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تعلیق از طرف دادگاه دستوراتی دربارهٔ آنها صادر می گردد فراهم کند. بدین ترتیب اعمال نظارت طبق آئین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری می رسد». [۸]

جریمه روزانه (daily fine)

در قسمت مربوط به جزای نقدی گفته شده است که حقوقدانان قائل به این هستند که مجازات نقدی دارای مزایا و معایبی می‌باشد. ایراداتی که از سوی مخالفان نسبت به این کیفر ارائه شده است به طور مختصر عبارتند از: تعارض با اصل شخصی بودن و اصل تساوی مجازاتها، فقدان اثر ارعابی نسبت به اغنیاء، فرستادن محکوم علیه به زندان در صورت عجز ازپرداخت آن و غیره.

مجازات جزای نقدی به لحاظ مشکلات که در اجرای آن پیش می آید و محکوم علیه در صورت عجز از پرداخت آن روانه زندان می شود(به نظر می رسد که این مهمترین ایراد وارده بر کیفر نقدی باشد)، باعث شده است که مجازات جزای نقدی که نه تنها نتوانسته رسالت و کار کردش را به عنوان یک مجازات با موفقیت به عمل برساند، بلکه از اهمیت و کارکرد امروزی جزای نقدی که به عنوان مجازات «جایگزین حبس» کاسته شده است. لذا اندیشیدن و صاحبنظران برای کاستن ایرادات فوق، شیوهٔ جدیدی از مجازات را برای عادلانه کردن اجرای جزای نقدی پیشنهاد کرده اند که آن، جزای نقدی روزانه (جریمه روزانه) است.[۹] جریمه روزانه از این جهت راهکار مفیدی است که نه تنها از مشکلات اجرایی جزای نقدی می‌کاهد بلکه تعدیل کنندهٔ برخی از ایرادات وارده دیگر بر جزای نقدی نیز می باشد. با اضافه اینکه جریمه روزانه نمادی بارز از رعایت اصل فردی کردن مجازات ها می باشد. دادگاه برای صدور حکم به جریمه روزانه و اجرای آن نیازمند رعایت آن سری قواعد و مقرراتی می باشد که عبارتند از:

۱- محکوم علیه باید در مدت زمان تعیین شده در حکم، اقساط جریمه را بپردازد. چنانچه محکوم علیه نتواند درروزهای معین شده، اقساط جریمه را بپردازد؛ با انقضای مدت معینه، اقساط جریمه حال شده و از آنجا که محکوم در زمان حال شدن بدهی خود، قادر به پرداخت آن نیست به حبس اعزام می‌شود. مادهٔ ۲۳ لایحه مجازات های اجتماعی مقرر می‌دارد: «محکوم علیه باید در پایان هر ماه حداکثر ظرف ده روز جزای نقدی روزانه را بپردازد.

---

۱. آشوری، محمد، ۱۳۹۴، عدالت کیفری(مجموعه مقالات) چاپ اول انتشارات گنج دانش، ص۴۱

۲. آشوری، ۱۳۹۲، پیشین، ص۳۸۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲- مدت حبس باید بیش از دو سال حبس باشد، طبق بند ب ماده ۲۲ لایحه مذکور، حداکثر میزان جزای نقدی روزانه $\frac{۱}{۴}$ درآمد روزانه محکوم علیه است. اصولاً رضایت محکوم ضروری نیست ولی در عمل قضات برای تعیین مبلغ قسط محکوم را در جریان می گذارند. [۱۰]

در خصوص جزای نقدی روزانه همانند دوره مراقبتی، متأسفانه در حقوق کیفری ایران از بدو قانونگذاری (سال ۱۳۰۴) را به حال، هیچ گونه مقرراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

تهیه کنندگان لایحه، مجازاتهای اجتماعی برای اولین بار در ایران به مجازات جزای نقدی روزانه اشاره داشتند که لایحه مذکور هنوز به مرحله تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است و به شکل قانونی لازم الاجرا در نیامده است. تهیه کنندگان لایحه مذکور با اقتباس از حقوق سایر کشورها مقرراتی را راجع به جریمه روزانه وضع کردند که در گفتارهای قبلی به اکثر آن قواعد و مقررات نیز اشاره داشتیم.

خدمات عمومی یا کار عام المنفعه

یکی دیگر از مصادیق مجازاتهای اجتماعی که از طریق ایجاد محدودیت یا سلب پاره ای از حقوق اجتماعی همراه است الزام محکوم علیه بر انجام خدمات عمومی و کارهای عام المنفعه است. خدمات عمومی یا عام المنفعه نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا تربیتی است و مجازات خدمات عمومی یا عام المنفعه به عنوان یکی از کیفرهای مستقل جامعوی و جایگزین حبس در برخی موارد در اکثر کشورها پذیرفته است.[۱۱]

انجام خدمات عمومی از سوی محکوم مترادف با بیکاری یا کار اجباری نیست، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، و بهره‌گیری از ظرفیتهای بازپروری، و اشتغال به کارهای عام المنفعه و جبران خسارتهایی است که فرد محکوم وارد کرده است. متأسفانه تاکنون در حقوق کیفری ایران راجع به مجازات خدمات عمومی قوانین و مقرراتی نداشته ایم که قاضی بتواند براساس آن قانون مجرم را به این مجازات محکوم نماید. اما در عمل (آرای محاکم و طرح‌های انجام شده از سوی سازمان زندانها) مواردی دیده می‌شود که بیانگر توجه قضات و مسئولان به این مجازات می باشد. ذیلاً به این موارد اشاره خوایم داشت نمونه‌هایی از آرای صادره توسط قضات که به مجازات خدمات عمومی استقبال نشان داده اند عبارتند از: محکوم کردن سارق کم سن و سالی به باغبانی در یکی از نهادهای دولتی، محکوم کردن دختر فراری از منزل به خدمت در خانه سالمندان یا حکم صادره از دادگستری آذربایجان مبنی بر اجبار دو جوان به گرفتن دیپلم متوسطه!

---

۱. نوریان، علیرضا؛ عزیزی، غلامعلی؛ شاه محمدی، حمید، ۱۳۹۳، واکاوی مجازات های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماهنامهٔ کانون، شماره ی ۱۳۸ و ۱۳۹، ص۴۷-۵۶

۲. مهرا، نسرین، ۱۳۸۷، ترجمه جزوه متون حقوقی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ص۹۶-۹۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آرای صادره اگر چه با توجه به مواد ۱۶ یا ۱۷ ق. م. ا سال ۱۳۷۰ تا حدودی صحیح به نظر می رسند ولی چون مجازات خدمات عمومی و اجرای آن نیازمند یک سری شرایط و ساز و کارهایی است که نیازمند تدوین قانونی در آن خصوص (مثل لایحه مجازاتهای اجتماعی) می باشد که در آن شرایط و نحوهٔ اجرای آن بیان شده باشد، استناد به مواد ۱۶ یا ۱۷ ق. م. ا به تنهایی قابل قبول به نظر نمی رسد. به همین خاطر قائل به این هستیم که در ایران هیچ مقرراتی تاکنون در خصوص مجازات خدمات عمومی تدوین نشده است تا بتوان به استناد آن قواعد و مقررات، مجرم را محکوم به این مجازات کرد.

حبس در منزل

یکی دیگر از جایگزین های مجازات سالب آزادی به منظور پرهیز از معایب ذکر شده برای زندان، حبس در متداول می باشد که جزء جایگزین‌های نسبی مجازات سالب آزادی است. در حال حاضر برخی کشورها در حال اجراست. حبس خانگی که از آن به بازداشت یا حبس در منزل نیز تعبیر می‌شود در معنای واقعی خود یک سلسله ضمانت اجراهای محدود کننده است که از تحمل منع رفت و آمد شبانه تا حبس در منزل در ساعت های غیرکاری مجرم را در بر می‌گیرد.

این مجازات به محدودیت در رفت و آمد و خروج از منزل اشاره دارد در اجرای حبس خانوادگی آزادی خروج محکوم علیه از منزل محدود می‌شود و او ملزم است تا در خانه باقی بماند وفقط در ساعات مشخص شده که از قبل به او اعلام می شود حق ترک منزل و خروج از خانه را دارد که عموماً این ساعات مربوط به انجام فعالیت های قانونی یا فوریت های پزشکی و درمانی است.

حبس خانوادگی ضمانت اجرای بینابینی است که نظارت و مجازاتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان پیش بینی می‌کند با این وضعیت انتظار می رود حداقل سه هدف ۱) ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید ۲) مجازات ۳) بازپروری را دارا باشد.[۱۲]

نظارت الکترونیکی و مراکز گزارش روزانه

نظارت الکترونیکی که از جایگزین های جدید و مطلق مجازات سالب آزادی است به این صورت که بهره‌وران نظارت الکترونیکی ابزارهایی را دور مچ دست یا گردنشان می‌بندند که علامت‌هایی را به مرکز و اداره نظارت می‌فرستند. بدین ترتیب مجرم فقط حق رفتن به سرکار یا حق شرکت در برخی فعالیت‌های مشخصی را دارد و بقیه اوقات را در منزل سپری شده و رفت و آمد او دقیقاً کنترل و نظارت می گردد.

هدف از آن تحت نظر قراردادن بزهکار در خارج از فضای زندان است تا ازدحام جمعیت در زندان و صرف مخارج بالای زندان جلوگیری شود و در واقع با محروم نشدن بهره ور از روابط شغلی و خانوادگی، حضور در اجتماع، بازپروری و باسازی وی محقق شود.

---

۱. آشوری، ۱۳۹۲، پیشین، ص۳۹۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این روش به عنوان تدبیری نسبتاً جدید برای فراهم کردن رعایت قواعد حبس در منزل یاد می شود. نباید تصور کرد که همیشه چنین است بلکه حبس در منزل تنها گاهی اوقات با نظارت الکترونیکی همراه است در هر حال نظارت الکترونیکی به خودی خود به عنوان یک ضمانت اجرای مستقل تلقی نمی‌شود بلکه یک ضمانت اجرای تبعی و وابسته به حبس در منزل یا تعلیق مراقبتی فشرده و برای اطمینان از پیروی مجرم از شرایط مقرر برای وی محسوب است.[۱۳]

این روش البته برای مجرمان خشن همچون جرائم راهنمایی و رانندگی و جرائم مالی، جنسی و جرائم مربوط به سوء استفاده از روابط زناشویی و جرائم مواد مخدر مناسب است. همچنین این روش برای اجرا باید رضایت محکوم را جلب کند.

در ایران اثری از نظارت الکترونیکی نیست، ترویج نظارت الکترونیکی منوط به خریداری تجهیزات و تأسیسات مربوط به آن است، آموزش و تربیت نیروی متخصص با انعقاد قرارداد با شرکت های خصوصی از راه‌های ترویج آن است که هیچ یک از اینها در ایران وجود ندارد هر چند این برنامه از راه حل های کاهش هزینه زندان است ولی خریداری تأسیسات نیاز به هزینه زیادی دارد همچنین تربیت و آموزش نیروی متخصص و آموزش قضات پرداخت هزینه‌های اضافی کاری در شب و روز و همچنین پایان هفته نیز هزینه بر است.

مجازات‌های جانشین حبس در قانون مجازات از سال ۱۳۹۲

آزادی مشروط

طبق مقررات ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری با رعایت شرایط زیر حم به آزادی مشروط را صادر کند».[۱۴]کلیه مجازات های حبس اعم از اینکه در باب حدود و قصاص و یا قوانین متفرقه دیگر باشد مشمول مقررات اعطای آزادی مشروط قرار خواهند گرفت.

آثار و نتایج آزادی مشروط

پس از اینکه تشریفات لامز جهت صدور حکم آزادی مشروط فراهم گردید، پرونده به همراه پیشنهاد ارائه شده توسط قاضی اجرای احکام کیفری به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می شود. دادگاه ذی صلاح در وقت فوق العاده تشکیل جلسه داده و نسبت به پیشنهاد ارائه شده اتخاذ تصمیم می نماید. چنانچه پیشنهاد ارائه شده حاوی کلیه شرایط مندرج در قانون بوده و رعایت تشریفات نیز شده باشد در این

---

۱. همان

۲. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد. ص۵۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

صورت، دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط به اجرای دستورات ذیل ملزم نماید:

الف: حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص؛

ب: اقامت یا عدم اقاغمت در مکان معین؛

پ: درمان بیماری یا ترک اعتیاد ؛

ت: پرداخت نفقه افرادواجب النفقه؛

ث: خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری ؛

ج: خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسائل موثر در آن؛

چ: خودراری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونین جرم یا دگیر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه؛

ح: گذراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات از آوردهای مکتب تحققی است که محکوم علیه به موجب آن از اجرای کیفر به ویژه حبس و شرایط نامناسب آن رهایی می یابد. تعلیق حق برای مجرم به حساب نمی‌آید، بلکه وسیله ای است برای ارفاق و مساعدت نسبت مجرم که در جهت رعایت اصل فردی کردی مجازات ها به دادگاه شده است.[1] در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای اجام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.[2] وفق مقررات ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، محکومیت های جرایم تعزیری درجه سه تا هشت به استثنای محکومیت های ممنوع التعلیق در قلمرو تعلیق اجرای مجازات قرار می‌گیرد. با اینکه قانون گذار به طور مطلق، تعلیق در محکومیت های جرایم تعزیری درجه سه تا هشت را جایز دانسته، مع هذا از این حد نیز فراتر رفته و به دلیل طبیعت ناخوشایند برخی از جرایم تعزیری و اهمیت آنها در روند زندگی اقتصادی و خطرات حاصله برای جامعه، اجرای احکام آنها را قابل تعلیق نمی‌داند.

---

۱. حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن، ۱۳۸۷، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران(حال و آینده)، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، ص ۷۴

۲. شامبیاتی، ۱۳۹۲، جلد سوم، پیشین، ص ۱۶۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قانون در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر ساخته صدور حکم و اجرای مجازات در مورد برخی جرایم و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست.

جزای نقدی

پیش بینی بازداشت موقت در ازای عجز از پرداخت جزای نقدی با منظور اصلی قانون گذار- یعنی، اجتناب از مجازات حبس کوتاه مدت و آثار و عواقب زیان بار آن و در نتیجه با قوانینی مثل قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و موارد مصرف آن ۱۳۷۳، مغایرت و منافات دارد. بنابراین، برای جلوگیری از چنین مشکلاتی بهتر است راهکارهای دیگری مثل جزای نقدی روزانه یا تقسیط جزای نقدی را پیش بینی و تقویت نمود.[۱]

محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی، از مصادیق مجازاتهای سالب حق است که مقنن آن را در مادۀ ۱۹قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنوان کرده است. حق یا حقوقی که محکوم علیه به موجب حکم دادگاه از داشتن آن محروم می گردد، برخی از حقوق است - مانند حقوق: سیاسی، اجتماعی و فرهنگی – که قانون اساسی برای شهروندان ایرانی به رسمیّت شناخته یا امتیازهایی که بر طبق مقرّرات خاص و جداگانه ای تصویب شده است. مادۀ ۱۹ قانون مجازات اسلامی که محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده پذیرفته، از این حقوق تعریفی ارائه نکرده است.[۲]ولی در تبصرۀ۱ مادۀ ۶۲ الحاقی به قانون مجازات اسلامی - مصوب اردیبهشت ۱۳۷۷، آمده است: «حقوق اجتماعی، عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح میباشد، از قبیل:

الف: حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان وانتخاب شدن به ریاست جمهوری.

ب: عضویت در کلیۀ انجمنها و شوراها و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند.

ج: عضویت در هیئت های منصفه و اُمناء

د: اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری

ه: استخدام در وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی

و: وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

---

۱. حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷، پیشین، ص ۷۷

۲. شامبیاتی، ۱۳۹۲، پیشین، ص۶۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ز: انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.

ح: استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری. . . »[1]

دوره‌ی مراقبت

در حقوق کیفری ایران از ابتدای قانونگذاری(ق. م. ع. ۱۳۰۴) تاکنون خلأ قانونی در زمینه‌ی دوره‌ی مراقبت که تقریبا مشابه و معادل تعلیق مراقبتی است، احساس می‌شد. این مسأله بیانگر به رسمیت شناخته شدن نهاد تعلیق مراقبتی و یا دوره ی مراقبت در حقوق کیفری ایران نیستند. زیرا، چهارچوب و قواعد و مقررات حاکم برآن، چیزی غیر از آنچه که در قانون مجازات اسلامی آمده است، خواهد بود.[2]در ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دوره مراقبت چنین تعریف شده است: دوره مراقبت دوره ای است که طی آن، محکوم به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا پند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح زیر محکوم می‌گردد. دستورات تعویق مراقبتی در ماده ۴۳ مصوب ۱۳۹۲مشخص و مقرر شده: در تعویق مراقبتی، دادگاه صادر کننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده اجاد نکند، مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر در مدت تعویق ملزم نماید:

الف: حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص؛

ب: اقامت یا عدم اقامت در مکان معین؛

پ: درمان بیماری یا ترک اعتیاد؛

ت: پرداخت نفقه افراد واجب النفقه؛

ث: خودداری از تصدی کلیه

ج: خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل موثر در آن؛

چ: خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه:

ح: گذاراندن دوره یا دوره های خاص آموزش و یادگیری مهارت های اساسی زندگی یا شرکت در دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.[3]

---

۱. اردبیلی، ۱۳۹۲، پیشین، ص۵۷

۲. صفاری، علی، ۱۳۹۱، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل، ص ۸۰

۳. شامبیاتی، ۱۳۹۲، پیشین، ص۷۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کیفر نقدی روزانه

کیفر نقدی روزانه عبارت است از پرداخت روزانه ی مبلغی پول به دولت به عنوان مجازات که با شدت جرم ارتکابی و میزان درآمد روزانه ی مجرم ارتباط و پیوستگی دارد. جریمه ی روزانه با این تعریف نماد بارزی از رعایت اصل فردی کردن مجازات است.[1]متأسفانه در حقوق کیفری ایران، در خصوص جزای نقدی روزانه، هیچ گونه مقرراتی وجود ندارد؛ اما پس از تغییرات مثبت دهه ۱۳۸۰ و گرایش نظام کیفری ایران به کیفرهای اجتماعی و نیز با آشکار شدن معایب جزای نقدی ثابت، تهیه کنندگان لایحه قانون مجازات های اجتماعی، برای نخستین بار در ایران، با اقتباس از حقوق کیفری سایر کشورها، به جزای نقدی روزانه، به عنوان یکی از مجازات های اجتماع محور جایگزین حبس، اشاره داشتند. این لایحه در صدر ماده، جریمه‌های نقدی روزانه را مطابق با اصول کلی مربوط به واحدبندی جزای نقدی تعیین کرده است. همان گونه که اشاره شد، جزای نقدی روزانه در دو مرحله تعیین می‌شود که مرحله نخست آن تعیین روزهای جزای نقدی، مطابق با شدت جرم ارتکابی و مرحله دوم، تعیین مبلغ جزای نقدی روزانه، مطابق با درآمد و هزینه های زندگی محکومٌ علیه است[2] . مقنن در ماده ۸۵ در خصوص جزای نقدی روزانه چنین می گوید: جزای نقدی روزانه عبارت از یک هشتم تا یک چهارم در آمد روزانه محکوم است که به شرح زیر مورد حکمم واقع می شود و با نظارت اجرای احکام وصول می گردد:

الف: در جرایمی که مجازات قانونی انها حداکثر سه ماه حبس است تا یکصد و هشتاد (۱۸۰) روز؛

ب: در جرایمی که مجازات قانونی آنها، نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان عزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، یکصد و هشتاد (۱۸۰) تا سیصد و شصت (۳۶۰) روز؛

پ: در جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، سیصد و شصت (۳۶۰) تا هفتصد و بیست (۷۲۰) روز؛

ت: در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، هفتصد و بیست(۷۲۰) تا هزار و چهار صد و چهل (۱۴۴۰) روز می باشد و محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

خدمات اجتماع محور (خدمات عام المنفعه)

یکی از اهداف اصلی کیفرها اصلاح بزه‌کار است. ریشه های این تفکر اگرچه به نظرات فلسفی ـ حقوقی افلاطون ارسطو و آشیل باز می‌گردد، اما این موضوع به عنوان یک نظریه در کیفرشناسی در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده ارائه شد. مجازات‌های اجتماع محور به واسطه داشتن صبغه ی اجتماعی و ادعای آن که در جهت جلوگیری از اثرات سوء زندان ایجاد شده اند، این هدف را در صدر اهداف خود قرار

۱. حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷، پیشین، ص ۸۳

۲. اردبیلی، ۱۳۹۲، جلد ۲، پیشین. ص۳۱۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

داده اند. همچنین، در خلال اجرای مجازات های اجتماع محور بزه‌کار از عمق و صدمه ی ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه دیده آگاه می‌شود و با احیای احساسات نیک انسانی، مسؤولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و در مجازات‌هایی چون خدمات اجتماع محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم بهره‌مند می‌گردد و زمینه ی بازگشت وی به جامعه فراهم می‌شود.[1] این کیفر باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره گیری از ظرفیت های بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارت هایی است که مجرمان به واسطه ی ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده اند.[2] مجازات های اجتماع محور در ایران با صرف تصویب قانون ایجاد نمی شود، بلکه نیازمند گذشتن از موانع بسیار و تدارک لوازم، امکانات و تدابیری است که در صورت فقدان هریک این قانون اجرا نخواهد شد.[3]

نتیجه‌گیری

منظور از جایگزین جنس نه تنها شامل مواردی که به عنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد مثل خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه. بلکه شامل مواردی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می کند مثل تعلیق اجرای مجازات و تبدیل مجازات هم می‌شود و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می کنند نظیر آزادی مشروط و میانجیگری در مرحله اجرای حکم می‌شود. بنابراین اعمال برنامه و جلوه های جایگزین نه تنها در مرحله صدور حکم بلکه در مرحله اجرای حکم نیز قابل تصور است. روش‌های دستیابی برای اعمال سیاست جایگزینی به ۲ دسته تقسیم می‌شود، زندان زدایی نسبی و مطلق. در زندان زدایی نسبی مجازات جایگزین حبس نمی‌شود بلکه هدف آن اجتناب از اجرای حکم مجازات حبس و چگونگی اجرای آن می‌باشد یعنی مجازات حبس اعمال می شود لکن آزادی به طور نسبی از محکوم علیه سلب می شود و ممکن است در نحول اعمال حبس تغییر حاصل شود. لکن زندان زدایی مطلق در واقع همان تبدیل مجازات می باشد و هدف آن این است که زندانیان در زمان گذراندن محکومیت خویش با محیط زندان آشنا نشوند. در ایران زندان زدایی نسبی در قالب اشتغال به کار زندانیان، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات به چشم می‌خورد و زندان زدایی مطلق فقط در قالب جزای نقدی به چشم می خورد البته اگر لایحه مجازات اجتماعی تصویب شود: جزای نقدی روزانه، تعلیق تعقیب کار عام النفعه هم به اجرا گذاشته خواهد شد. در جایگزینی نسبی دست قاضی باز است تا به جای

---

۱. یکرنگی، محمد؛ ایرانمنش، مهدی، ۱۳۸۷، کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش نیازهای اعامل کیفرهای اجتامع محور در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، ص ۹۳

۲. حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷، پیشین

۳. همان، ص ۱۰۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حبس به آنها برای مجازات مجرم توسل جوید در واقع جایگزین های نسبی مجازات حبس چگونگی اجرای حبس هستند.

با توجه بر آنچه در این پژوهش در خصوص جزای نقدی بیان شد نتیجه می‌گیریم که هر چند اعمال جزای نقدی در پاره ای موارد مشکلاتی را به وجود آورده است و لکن نقش فزاینده ای را در مقابله با جرائم از خودشان داده و قابلیت های خود را به نمایش گذارده است. مجازات نقدی با توجه بر طبیعت موجود در آن دو هدف کیفری و غیر کیفری متمایز دارد. از این رو ملاحظات اقتصادی نباید ما را از جنبه‌های بازدارندگی غافل کند. لذا باید هم در مرحله تقنین هم در مرحله قضا توجه و دقت عمده ای مصروف تعیین معیاری دقیق برای برقراری روش های جرم زدایی گردد. بنابراین جزای نقدی مانع ایجاد تباهی در مجرمین شده و از اثرات مخرب حبس جلوگیری می‌کند و اثر آن به صورت مستمری بوده و دائماً اثر ارعابی خود را حفظ می‌کند. پذیرش مجازات‌های جایگزین حبس در سیاست جنایی تقنینی از یک طرف ناشی از شکست یا حداقل ناموفق بودن برنامه-های اصلاحی درمانی زندان و از طرف دیگر برگرفته از یافته‌های جدید علوم جنایی در این زمینه است. در قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲، علاوه بر این که وضعیت جایگزین های سنتی از جمله تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط بهبود یافته است، جایگزین‌های نوین (حبس خانگی، خدمات عام المنفعه، دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی) نیز پذیرفته شده است.[۱]

پیشنهادات

باتوجه به قانون مجازات اسلامی‌سال۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین نسبت به مجازات‌های جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی سال‌های قبل مساعدتر و اخف است، اما نسبت به قواعد تخفیف حاکم در محاکم نظامی‌مجازات‌های اخف نیستند و به نظر می‌رسد اعمال مجازات‌های جایگزین در محاکم نظامی‌منصفانه نیست. بنابراین پیشنهاد می‌گردد قانونگذار محترم توجه بیشتری در این زمینه اعمال نماید.

به کارگیری ضابطین خاص و آموزش دیده به منظور کنترل و نظارت دقیق بر بزهکاران در اجرای جایگزین های حبس.

برای ترویج کیفرهای جایگزین حبس باید اذهان عمومی آماده پذیرش آنها شود و از سویی تشویق سازمانهای غیردولتی و جوامع محلی و بهره گیری از مشارکت مردمی برای موفقیت در اجرای جایگزین ها بسیار موثر است.

---

۱. همان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، میزان

ـ آشوری، محمد، ۱۳۹۲، جایگزین های زندان یامجازاتی بینابین، تهران: نشر گرایش، چاپ چهارم

ـ آشوری، محمد، ۱۳۹۴، عدالت کیفری (مجموعه مقالات) چاپ اول انتشارات گنج دانش

ـ امیری، سعید، ۱۳۸۶، جزای نقدی و بررسی آن در مجموعه قوانین موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

ـ بولک برناد، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ چهارم، تهران سال ۸۴

ـ حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن، ۱۳۸۷، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران(حال و آینده)، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۴

ـ شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد

ـ صفاری، علی، ۱۳۹۱، کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل

ـ مهرا، نسرین، ۱۳۸۷، ترجمه جزوه متون حقوقی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ص۹۶-۹۷

ـ نوربها، رضا، ۱۳۹۱، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان، جلد اول

ـ نوریان، علیرضا؛ عزیزی، غلامعلی؛ شاه محمدی، حمید، ۱۳۹۳، واکاوی مجازات های تکمیلی در قانون

ـ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماهنامهٔ کانون، شماره ی ۱۳۸ و ۱۳۹

ـ یکرنگی، محمد؛ ایرانمنش، مهدی، ۱۳۸۷، کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش نیازهای اعامل کیفرهای اجتامع محور در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]